

کتاب مقررات راهنمایی و رانندگی، اندرزهای مناسبی برای مدیران مؤسسات و سازمان‌های گوناگون دارد.

در واقع تفاوت اندکی بین هدایت یک وسیله‌ی نقلیه و یک بنگاه فرهنگی، خدماتی و یا اقتصادی وجود دارد. اگر درست عمل نکنید، هر دو ممکن است از مسیر منحرف شوند و به سراشیبی بیفتند! در این کتاب آمده است که هنگام رانندگی به چهار جهت راست و چپ و جلو و عقب خودرو توجه داشته باشید. البته نگاه پنجم هم قطعاً به سمت خودمان باید دوخته شود که در چه

وضعیتی قرار داریم و تا چه حد توجه رعایت مقرراتی هستیم که برای هدایت مناسب خودرو توصیه شده است. برای رسیدن به هدف همیشه خط مستقیم، مناسب‌ترین مسیر نیست.

راه‌ها معمولاً پیچ و خم دارند و صاف به طرف نقطه مقصد نمی‌روند. در اداره سازمان‌های بزرگ و کوچک هم نکات کوچکی ممکن است شما را از مسیر مستقیم منحرف کنند. مواظب باشید که اولاً از جاده بیرون نیفتید و ثانیاً آن قدر منحرف نشوید که راه اصلی را گم کنید.

به هر سه آینه نگاه کنید!

بسیاری از کسانی که در آزمون‌های رانندگی شرکت می‌کنند، به این خاطر موفق نمی‌شوند که در شروع حرکت یادشان می‌رود به سه آینه‌ی جلو و طرفین خودرو نظری بیندازند. افسر راهنمایی و رانندگی می‌گوید، قبل از آن که راه بیفتید، نگاهی به عقب ماشین بکنید! آیا در هدایت سازمان‌ها به آینه‌ای که پشت سر شما را نشان بدهد، نیازی نیست؟ یک مدیر موفق قطعاً هنگام شروع کار باید به پشت سر خود نگاهی بیندازد. همیشه پیش از ما کسانی بوده‌اند که در همان مسیر رفته‌اند و به قول معروف حالا از آب و آتش گذشته‌اند. هر صنفی پیش کسوت‌هایی دارد که می‌توان به توصیه‌هایشان اعتماد کرد. بهتر است قبل از شروع هر کاری با چند نفر مشورت کنید. آن‌ها مانند آینه‌های ماشین به شما نشان خواهند داد که در پشت سر شما چه می‌گذرد. حتماً لازم نیست که خودتان تجربه کرده باشید. تجارب دیگران می‌تواند شما را از مخاطراتی که ممکن است در مسیر راه وجود داشته باشند، آگاه کنند. اگر قرار بود بشر هر آن چه را دیگران تجربه کرده‌اند، خودش تجربه کند، قطعاً به پیشرفت‌هایی که امروز دارد، دست نمی‌یافت.

مقاله‌های علمی و کاربردی

مقررات رانندگی و ایمنی در مدیریت!

مسعود مهاجر*

کمربندتان را ببندید!

همان‌گونه که هنگام رانندگی ممکن است اتفاقاتی بیفتند که انتظارشان را ندارید، هنگام مدیریت هم مواظب رخدادهایی باشید که خود در بروز آن‌ها دخالتی ندارید. ممکن است یک خودرو از کوچه یا خیابانی فرعی وارد بزرگراه شود و شما را با خطر روبه‌رو سازد. اگر کمربند نیستید، امکان دارد یکی از اعضای حیاتی بدنتان را از دست بدهید. کمربند موجب می‌شود که شدت ضربه در انعطاف کمربند کم‌نفس‌تر شود و شما را حفظ کند. با همه‌ی دقتی که در رعایت مقررات رانندگی به کار می‌گیرید و با همه‌ی مهارتی که در طول سال‌ها اندوخته‌اید، ممکن است ماشین دیگری مانند اجل معلق از جایی ظاهر شود و به شما بکوبد. کمربند این حسن را دارد که اجازه نمی‌دهد شما با همان سرعت از



محلان به اطراف پرت شوید و بر اثر برخورد با اجسام سخت صدمه ببینید. در مدیریت سازمان‌ها نیز شما باید تمهیداتی اندیشیده باشید که در مواقع حساس شما را از پرت شدن به جایی که نمی‌خواهید محافظت کند.

هنگام مدیریت همه‌ی پیشامدها را نمی‌شود پیش بینی کرد، اما مدیران موفق معمولاً برای مقابله با شرایط اضطراری همیشه راهکارهایی آماده دارند. در عین حالی که با اطمینان و خونسردی رانندگی می‌کنند، مراقب شرایطی باشید که ممکن است افراد ثالث یا اتفاقات ثالث در برابرتان ایجاد کنند.

نقش ترمز را فراموش نکنید!

ایستادن گاه مهم‌تر از حرکت کردن است. همان‌طور که فرماندهان هم در مواقعی اگر دستور عقب‌نشینی ندهند، ممکن است جنگ را ببازند. ترمز در وسیله‌ی نقلیه همین نقش را دارد، با متوقف کردن خودرو یا آهسته کردن سرعت آن، فرصتی به راننده می‌دهد که اوضاع را با خیالی آسوده‌تر بررسی کند و خود را از میان مخاطرات فراوان عبور دهد. بنابراین، در همان ابتدای حرکت در خیابان، فشاری به ترمز وارد کنید، باید مطمئن شوید که وسیله‌ی نقلیه را می‌توانید هرجا که خواهید یا نیاز افتاد، متوقف کنید. اگر فراموش کرده باشید که لنت ترمزها را به موقع عوض کنید، ترمزها در جای خود عمل نخواهند کرد و ممکن است همه‌ی برنامه‌هایتان را به هم بریزند. رانندگانی که به اهمیت ترمز و توقف ندارند، همیشه بدبختی‌هایی را تجربه می‌کنند و هر آن‌چه را که اندوخته‌اند، به باد می‌دهند و به خاک سیاه می‌نشینند.

یک مدیر موفق همیشه هنگام مدیریت باید به اهمیت ترمز سازمان و توقف داشته باشد. قبول کردن تعهدات باید در محدوده‌های قابل‌کنترلی انجام پذیرد. اگر می‌خواهید از نظر مالی کسی را تضمین کنید، تعهدات خودتان را از حدی که فراتر از توان جبرانی شماست، بالاتر نبرید. باید قادر باشید که حرکت سازمان را تا حدودی در هر لحظه‌ای که نیاز دارید، متوقف کنید. به عبارتی دیگر عملکرد نامناسب ترمزها ممکن

است شما را به ماشین جلویی بکوبد و یا خودرو را به حاشیه‌ی خیابان و بزرگراه بکشاند. این رخدادها اگر شما را به کلی از نفس نیندازند، موجب خواهند شد که بخشی از توانمندی‌هایتان را صرف کنید تا اوضاع به حالت اول برگردد. اگر تصمیمی بگیرید که به عواقب آن نیندیشیده باشید، ممکن است در آینده با مشکلاتی مواجه شوید که قدرت رویارویی با آن‌ها را ندارید.

مسافر اضافی سوار نکنید!

در کارت مشخصات خودرو تعداد سرنشین‌ها نوشته شده است. نباید بیش از چهار سرنشین در داخل یک خودروی معمولی باشد، مگر آن‌که خودروی بزرگ‌تری داشته باشید. هیچ‌وقت دچار تعارف نشوید. حضور یک سرنشین اضافی آن قدر هم که به نظر می‌آید کم اهمیت نیست. سرنشین اضافی جای شما را تنگ می‌کند و آزادی عمل شما را می‌گیرد. همین امر باعث می‌شود که در موارد اضطراری نتوانید عکس‌العمل لازم را نشان دهید.

یک مدیر خوب هم هنگام انتخاب همکاران، از خاطر نمی‌برد که یک همکار فقط هزینه‌ی یک حقوق را به مؤسسه‌ی تحت مدیریتش تحمیل نمی‌کند، کارمندان اضافی موجب می‌شوند که مدیر نتواند از همه‌ی توانمندی کارکنانش استفاده کند. همیشه تعدد کارکنان بیشتر به معنای انجام دادن کار بیشتر نیست. درد بی‌درمان مؤسسات دولتی ما همین است. وقتی به اداره‌ای می‌روید، خیلی زود متوجه می‌شوید که بسیاری از کارمندان هیچ کار مفیدی انجام نمی‌دهند. البته در آتش‌نشانی و اورژانس همیشه باید اشخاصی آماده کار ایستاده باشند و خدا کند که کمتر به کمکشان نیاز افتد، اما در ادارات و پشت میزهای امن نشستن، به معنای هدر دادن هزینه‌ها، اتلاف منابع و عدم استفاده بهینه از نیروی کاری است که به خدمت گرفته‌ایم!

به خودتان مرخصی بدهید!

متخصص راهنمایی و رانندگی می‌گوید

که همیشه بعد از ساعتی رانندگی در جاده، استراحت کوتاهی به خودتان بدهید. پیاده شدن در جلوی یک قهوه‌خانه می‌تواند خستگی نشستن مداوم روی صندلی را از تن شما بزداید. اصلاً قهوه‌خانه‌ها را مگر به همین منظور کنار جاده‌ها برپا نکرده‌اند! قانون کار هم می‌گوید که هر کارمند باید سالانه به یک ماه مرخصی برود. البته در ایران خیلی‌ها از مرخصی خودشان استفاده نمی‌کنند و حقوق متعلقه آن را می‌گیرند. یک مدیر خوب هیچ وقت از این کارها نمی‌کند. مرخصی برای سلامتی و روحیه شما حیاتی است و پول بیشتر ابداً جای آن را نمی‌گیرد.

بنابراین، به دلیل اشتغال بیش از اندازه در کارهای اداری و مدیریتی، از نقش مرخصی غافل نمانید.

علاوه بر این که در هر روز ساعتی را به استراحت خودتان اختصاص می‌دهید، به شنا یا ورزش هم بپردازید و یا پیاده‌روی و تفریح کنید. در طول هر ماه هم یکی دو روز به خودتان مرخصی بدهید. یک مدیر خوب نباید نگران باشد که در غیاب او اتفاق ناهنجاری در سازمان او بیفتد. اگر همه‌ی مقررات و نظام‌ها را به کار گرفته باشید، قطار شما روی ریل خواهد رفت و سانحه‌ای به وقوع نخواهد پیوست.

برخی از رانندگان به گونه‌ای می‌رانند که انگار در مسابقه‌ی رانندگی شرکت کرده‌اند، هدف آن‌ها رسیدن سریع به مقصد است. بنابراین، نه از رانندگی لذت می‌برند و نه از مناظری که در اطراف مسیر است، انگار قرار است کسی به آن‌ها در انتهای راه جایزه بدهد! اما یک راننده‌ی خوب، هم می‌خواهد به مقصد برسد و هم از اوقاتی که صرف می‌کند لذت ببرد. بنابراین با آرامش می‌رانند. در مدیریت چهره‌ی آرام شما می‌تواند به همکارانتان اطمینان و روحیه بدهد، اما شتاب شما آسودگی خاطر آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند. شتاب در کار همیشه نتیجه‌ی مطلوبی به بار نمی‌آورد. بنابراین با خونسردی به رانند ادامه دهید.

* عضو هیئت دبیران مجله‌ی اقتصاد و زندگی، مجله‌ی اقتصادی اجتماعی مدیران